

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه علامه طباطبائی  
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

## موضوع پایان نامه:

تأثیر اندیشه مهدویت بر تحولات سیاسی ایران معاصر  
(از دوره محمد شاه قاجار تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران)

## استاد راهنما:

دکتر غلامرضا خواجه سروی

## استاد مشاور:

دکتر ابراهیم بزرگر

## نگارش:

ابوذر گلین رستمی

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی در اسلامی

سال تحصیلی ۹۰ - ۱۳۸۹

## **تقدیم به**

تقدیم به حضرت ماه، امام خامنه‌ای کبیر، که در این دوران سراسر جهالت و  
جهل تنها نور هدایت به حضرت خورشید، امام حق حجه بن الحسن، برای راهیان  
نور و تعالی است.

## چکیده

اندیشه مهدویت از کانونی ترین گزاره های اندیشه سیاسی شیعه است. در اندیشه شیعه حکومت تنها از آن خدا و حجت خدا که پیامبر و وصی پیامبر است می باشد. در عصر غیبت حجت الهی، اصل حکومت از جانب شیعیان منتفی نمی باشد چرا که وجود آن از بدیهیات عقلی است لذا برای حکومت باید شخصی که از طرف امام حق برای این منصب مشخص شده است، در این جایگاه قرار بگیرد و از این طریق یگانه راه کسب مشروعیت برای حکومت را بدست آورد. در دوره غیبت سه خوانش مختلف از بحث نیابت و کسب مشروعیت مطرح شد که به ترتیب، نیابت خاصه، نیابت عامه بی تفاوت نسبت به حکومت و نیابت عامه مسئول در برابر سیاست به وجود آمد. هر سه این خوانشها را می توان در تاریخ معاصر ایران تحت عنوان بابیت، انجمن حجتیه و انقلاب اسلامی رصد کرد که به بررسی هر کدام می پردازیم.

## پیشگفتار

اندیشه مهدویت در اسلام یا منجی گرایی در تاریخ بشری یکی از جذابترین مباحث حوزه انسانی بوده است چرا که وعده این شخص به مردم، به همراه بیان برخی ویژگی‌های زمان بعد از وی بوده است. از برقراری عدالت و برابری وعده داده شده، از پیروزی نهایی نور بر تاریکی، خیر بر شر، خوبی بر بدی، از پایان جنگ و برقراری صلح و امنیت بر کل جهان صحبت شده است. از دوستی بین انسانها، از محبت بین انسانها، و حتی حیوانات در کنار هم و خیلی چیزهای دیگر صحبت شده است که در نهایت آرمان یک زندگی اجتماعی را برای معتقدان به این گزاره وعده داده شده به وجود آورد. از طرفی دنیای قبل از منجی، دنیایی پر از مواردی است که در تضاد و تناقض با این جامعه آرمانی است و طبیعتاً هر انسان دارای هدف و حیات را به سمت خود می‌کشاند.

در طول تاریخ بشریت همواره افرادی بوده‌اند که از این اندیشه والا، به صورت ابزاری برای تحقق امیال و اهداف شخصی و گروهی خود بهره برده‌اند. شورشهایی را به وجود آورده‌اند، حکومتهایی را تشکیل داده‌اند، خون انسانهایی را ریخته‌اند و هر کدام انگیزه و تکلیفی برای خود و جریان مورد نظر خود قائل بودند. یکی خود را همان موعود معرفی می‌کند، یکی زمینه‌ساز و یکی فرستاده موعود معرفی می‌کند تا در مجموع بتواند توده‌های منتظر جامعه آرمانی را به دور خود جمع کند.

ایرانیان نیز با توجه به جامعه آرمانی که در آموزه‌های دینی و فرهنگی خود، در حماسه‌های کهن از آن دوران به دوران حاکمان کیانی نام می‌برند همیشه به دنبال بازگست و رسیدن به دوران طلایی بودند و بعد از اسلام نیز با گرایش به مذهب تشیع، بحث منجی‌گرایی و مهدویت، که امام دوازدهم شیعیان نیز می‌باشد رونق بیشتری گرفت و مباحثی را در این باره در طول دوره غیبت امام در مورد جانشینی ایشان و شرایط رسیدن به ظهور آن منجی مطرح شد که در این پایان‌نامه به گوشه‌هایی از آن پرداخته شده است.

در ادامه لازم می‌دانم از آقای دکتر خواجه سروی، استاد راهنما و آقای دکتر برزگر استاد مشاور این تحقیق به خاطر راهنمایی‌هایشان برای اتمام تحقیق و آقای دکتر غلامرضا کاشی داور جلسه دفاع، که با ذکر نکاتی در نگارش این پایان‌نامه کمک کردند و همه کسانی که به نحوی در تکمیل این کار همکاری کردند تشکر و قدردانی داشته باشم.

**بخش اول: کلیات مفهومی**

۲	فصل اول: طرح تحقیقاتی.....
۳	طرح مسئله: .....
۵	سئوال اصلی و سئوال های فرعی .....
۵	فرضیه اصلی و فرضیه های فرعی.....
۶	پیش فرضها و هدف پژوهش .....
۷	تعریف مفاهیم و ابعاد موضوع.....
۸	پیشینه تحقیق.....
۱۱	حدود زمانی و مکانی موضوع.....
۱۱	مشکلات و تنگناها.....
۱۱	روش تحقیق و گرد آوری داده ها و منابع.....
۱۱	ساماندهی تحقیق.....
۱۳	<b>فصل دوم: مباحث مفهومی و تاریخی.....</b>
۱۴	مقدمه .....
۱۴	منجی در ادیان .....
۱۴	۱- منجی در آیین هندو و چین.....
۱۵	۲- منجی در آیین زرتشت.....
۱۵	۳- منجی در آیین یهود.....
۱۶	۴- منجی در آیین مسیحیت.....
۱۷	۵- منجی در آیین اسلام.....

۱۸	.....انتظار ایرانیان
۱۹	.....معنای انتظار
۲۱	.....نیابت در فقه سیاسی
۲۹	.....اندیشه و تحولات سیاسی
۳۳	.....تاریخچه منجی‌گرایی در ایران

### **بخش دوم: اندیشه مهدویت و تحولات سیاسی معاصر ایران**

۴۳	.....فصل سوم: بابیت
۴۶	.....زمینه سازی شیخیه
۴۷	.....عقاید شیخیه
۴۹	.....تاریخ زندگی باب
۵۲	.....آغاز دعوت
۵۸	.....علی محمد در اصفهان
۶۲	.....بازخورد ادعای بابیت در جامعه
۶۴	.....۱- حادثه قلعه طبرسی
۶۵	.....۲- حادثه زنجان و نیریز
۶۶	.....۳- سرانجام بابیان
۶۶	.....اندیشه و اعتقادات بابیت
۷۳	.....نتیجه گیری
۷۴	.....فصل چهارم: انجمن حجتیه
۷۵	.....مقدمه
۷۵	.....شکل گیری انجمن
۷۷	.....فعالیت انجمن

۸۳	اندیشه انجمنی .....
۸۴	انجمن و وظیفه امام .....
۸۹	انجمن و انتظار فرج .....
۹۳	انجمن بعد انقلاب ۵۷ .....
۹۴	انجمن و اندیشه ولایت فقیه .....
۹۸	دشمن شناسی انجمن .....
۱۰۰	انجمن و مباحث اقتصادی .....
۱۰۱	انجمن در تقابل با انقلاب .....
۱۰۴	نتیجه گیری .....
۱۰۷	<b>فصل پنجم: نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی .....</b>
۱۰۸	مقدمه .....
۱۱۰	تاریخچه مبارزات انقلاب .....
۱۱۸	مشروعیت رهبر نهضت .....
۱۲۱	نهضت و اندیشه مهدویت .....
۱۲۴	اندیشه مهدویت در بیانیه های امام .....
۱۲۶	مهدویت در آثار مکتوب امام .....
۱۳۳	انتظار فرج یا وظیفه منتظران در دیدگاه امام خمینی <small>علیه السلام</small> .....
۱۳۵	نتیجه گیری .....
۱۳۶	نتیجه گیری نهایی .....
۱۴۵	فهرست منابع .....



**بخش اول:**

**کلیات مفهومی**

# فصل اول: طرح تحقیقاتی

## طرح مسئله:

آموزه مهدویت از کانونی ترین گزاره های اعتقادی شیعه است که نصوص و متون دینی هم بر این امر صحه می گذارند. اهمیت مهدویت در تشیع نیز به جایگاه امامت مربوط می گردد. امامت را خداوند در کنار ایمان به خود و رسول خود، عهد خود معرفی می کند. «لا ینال عهدی الظالمین» «پیمان من به بیدادگران نمی رسد». آیت الله سبحانی در این باره می فرماید: عهدی، یعنی عهد من، و می خواهد بفهماند که آن امری گرانسنگ و هدیه ای بسیار ارزشمند از جانب اوست و حراست و حفاظت از آن از جانب امت واجب و ضروری است.<sup>۱</sup>

اشاره دیگر قرآن در مورد امامت، فرمانروایی بزرگ است که با عنوان ملک اعظم یاد می کند. «ام یحسدون الناس علی ما آتاهم الله من فضله فقد آتینا ال ابراهیم الکتاب و الحکمه و آتیناهم ملکا عظیما» «بلکه به مردم بر آنچه از فضل خویش عطا کرد- رشک می ورزند، در حقیقت ما به خاندان ابراهیم کتاب و حکمت دادیم و به آنان ملکی بزرگ بخشیدیم». این عهد و ملک، جایگاه ویژه ای را در تشیع برای امامت بوجود می آورد.

تشیع در همیشه تاریخ پر فراز و نشیب خود منتظر بوده تا امام عصر عجل الله فرجه ظهور کرده و دولت کریمه اش را که مملو از عدالت و توحید و تعالی الی الله است برپا نماید. لذا اعتقاد به آموزه مهدویت، استراتژی شیعه در طول تاریخ بوده است و از همان ابتدای غیبت، عده ای برای اهداف مورد نظر خود از این اندیشه بهره جسته اند و فرقه های مذهبی و سیاسی بسیاری بر همین اندیشه و مبنا شکل داده اند.

از طرفی ایران نیز بعد از صفویه تنها کشور با حکومتی است که داعیه شیعه گری دارد و غالب

---

<sup>۱</sup> - سید حسین نجیب محمد، «امامت عدل الهی»، موعود، س ۱۱۲، ص ۲۸

جمعیت آنرا شیعه تشکیل می دهد و در روایات نیز نقش برجسته ای برای یاری منجی موعود آخرالزمان دارا می باشد. این عوامل زمینه مناسبی را برای فعالیت اندیشه مهدویت در ایران فراهم کرده است. در ایران چه قبل از اسلام و چه بعد اسلام مذهب همیشه نقش برجسته ای در حرکت‌های اجتماعی و تحولات سیاسی داشته است در ایران معاصر خصوصا از ابتدای دوره قاجار شاهد حرکت‌های اجتماعی سیاسی هستیم که مهدویت در آن نمود بیشتری پیدا کرده است. از آن جمله قیام‌های بابیه، بهائیه، نهضت تنباکو، جنبش ضد بهائیت (انجمن حجتیه) انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی از شاخص‌ترین آنهاست که نوع خاصی از اعمال سیاست‌گذاری را در حاکمیت و جامعه تحمیل کرده‌اند. این تحولات در قرن معاصر برای اولین بار و به صورت خیلی جدی باعث تجمیع مدیریت سیاسی و مذهبی جامعه در فقاقت روحانیت نیز گشته است.

در فقه سیاسی شیعه در زمان غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه فقها نیابت ایشان را در جامعه بر عهده دارند و بر اساس دو نوع نیابت عام و خاص تقسیم شده اند که نیابت عام نیز در دو نوع بی تفاوت به سیاست و حساس به امر سیاست می باشد که هر سه این تقسیمات را در ایران معاصر شاهدیم. نگاه اول بحث نیابت خاصه امام زمان در شکل بابیت و قبل از آن شیخیه متبلور شده است. نگاه دوم، نیابت عام، از دل اخباری‌گری برجسته شده است که برای آن نیز می توان به انجمن خیریه حجتیه مهدویه اشاره کرد و در حال حاضر مکتب تفکیک و نگاه سوم که از دل اصولی‌گری شکل گرفته و به سیاست و تحولات جامعه حساس است و برای آن نیز می توان به نهضت تنباکو و نهضت اسلامی امام خمینی رحمته الله اشاره کرد.

در مورد تحولات سیاسی ایران معاصر باید یادآور شد که در تاریخ ایران معاصر وقایع زیادی داریم که هر کدام به نوبه خود حائز اهمیت و در واقع پیچی در تاریخ ایران بوده اند مانند جنگ‌های ایران و روس و تبعات آن، امتیاز رویتر و رژی، نهضت مشروطه، سلطنت پهلوی، ملی شدن صنعت نفت، انقلاب اسلامی و قس علی هذا. بسیاری از این رویدادها به طور مستقیم یا غیر مستقیم متاثر از اندیشه مهدویت بوده اند و کمتر رویدادی شاید بی تاثیر از این اندیشه بوده باشد چرا که خواه نا خواه بحث حاکمیت و حکومت به هر نحو، موضوع غصبی بودن یا مشروع بودن آن را در زمان غیبت مطرح می کند که به نوبه خود علمای دینی و مردم شیعه را متاثر و به واکنش، چه به صورت پذیرش و چه

رد، وادار می‌کند.

طبیعتاً امکان اینکه همه این تحولات را سنجید و به تاثیر اندیشه مهدویت بر آنها پرداخت در این پژوهش وجود ندارد. بنابراین با توجه به سه نگاه کلی فقهی و انتخاب سه رویداد که نمایندگی این نگاهها را داشته باشند به تحلیل تاثیر اندیشه مهدویت بر تحولات ایران معاصر می‌پردازیم بدیهی است که نتیجه را می‌توان به نمونه‌های مشابه نیز تعمیم داد.

در این پژوهش با تمرکز بر جنبش بابت و نهضت ضد بهائیت و نهضت اسلامی امام خمینی علیه السلام نقش مهدویت را در جریان تکوین هر کدام دنبال میکنیم و تاثیری که هر کدام بر جامعه گذاشته‌اند و از طرفی تفاوت‌های این نگاههای کلان فقهی نیز مشخص میشود

## سؤال اصلی و سؤال های فرعی

الف- اصلی: اندیشه مهدویت چه تاثیری بر تحولات سیاسی ایران معاصر داشته است؟

ب- فرعی:

۱- خوانش جنبش بابت از مهدویت چه تاثیری بر تحولات ایران معاصر داشته است؟

۲- خوانش جنبش ضد بهائیت (انجمن حجتیه) از مهدویت چه تاثیری بر تحولات ایران معاصر

داشته است؟

۳- خوانش نهضت اسلامی امام خمینی علیه السلام از مهدویت چه تاثیری بر تحولات ایران معاصر داشته است؟

## فرضیه اصلی و فرضیه های فرعی

الف- فرضیه اصلی:

آموزه مهدویت یکی از موثرترین عوامل در جهت گیری تحولات سیاسی ایران معاصر بوده است.

ب- فرضیه های فرعی:

۱- علی محمد باب با ادعای نیابت خاصه امام زمان باعث بی ثباتی و موضع گیری حکومت شد.

۲- انجمن حجتیه با خوانش خاص خود از نیابت عامه که برای تمام مراجع در نظر داشت به

تقویت جریان جدایی دین از سیاست و در ادامه تضعیف نهضت امام خمینی علیه السلام موجب شد.

۳- نهضت امام خمینی علیه السلام نیز با قرائت خاص خود از نیابت عامه در عصر غیبت موجب ارائه یک دین حداکثری و قرار گرفتن نائب عام در راس نهضت سیاسی و در نهایت انقلاب اسلامی ایران شد.

## پیش فرضها و هدف پژوهش

- طرح این مباحث درون یک جامعه مسلمان و بالاخص شیعی مطرح است که ارزشهای و عقاید مکتب مورد پذیرش همگانی است.

- امامت و مهدویت جوهره سیاسی شیعه است. آنچه که جوهر سیاست شیعه را تشکیل می دهد عنصر امامت است که در نوک این مشروعیت، مهدویت قرار دارد. اعتقاد به آموزه مهدویت، انتظار ظهور، امام غایب و تشکیل حکومت مشروع و جهانی به دست انسان کامل از زیرین ترین مفاهیم علی شکل گیری جریانهای سیاسی اجتماعی شیعی در ایران بوده است.

- تمام این جنبشها و حرکات مورد بررسی توسط علمای شیعه (نواب) هدایت می شده اند و در درون فرهنگ انتظار موعود آخرالزمان بوده است.

- به عقیده شیعه هر حکومتی غاصب و ظالم است، به هر شکل و در هر قالبی که باشد، مگر آنکه امام معصوم علیه السلام یا نائب او، زمامدار حکومت گردد.

همواره حاکمان از دوره ای که شیعه صفوی در ایران دولت را تاسیس کرد سعی داشتند به نوعی مشروعیت خود را از امام زمان علیه السلام با نیابت و یا با واسطه علما و فقها کسب کنند و در مقابل مخالفین حکومتی که غالبا به رهبری علمای تشیع بوده، نیز، مبارزات خود را با الهام گیری از اندیشه مهدویت مشروعیت می بخشیدند. اینگونه بود که بابت نیابت خاصه امام رامطرح کرد و خود را محق حکومت دانست و انجمن حجتیه غیر مشروع بودن هر پرچمی غیر از پرچم امام معصوم را دنبال کرد و از طرفی انقلاب اسلامی تشکیل حکومتی دینی را زمینه سازی برای حکومت جهانی آینده شیعه قلمداد کرد. امروز نیز این اندیشه به صورت جدی در عرصه های مختلف و در پژوهشکده های داخلی و خارجی بررسی می شود.

هدف علمی پژوهش این است که با شناخت کاملی از روند شکل گیری و مبانی فکری جنبشهای وابسته به مهدویت در تاریخ معاصر ایران، این نوع جنبشها را در زمان حال و آینده بهتر بتوان درک

کرد و در مسیر تعجیل در ظهور منجی موعود آخرالزمان قرار داد.

## تعریف مفاهیم و ابعاد موضوع

در این تحقیق مفاهیمی وجود دارد که تعریف آن به صورت ذیل می باشد:

امامت: نوع حکومتی که در آن شخص به عنوان امام، اجازه و مشروعیت حکمرانی خود را بر مردم، از جانب خدا به واسطه ابلاغ و اعلام پیامبر خدا دریافت می دارد و اطاعت از حاکم همانند اطاعت از خدا واجب، و تنها او شایسته حکومت می باشد.

اندیشه مهدویت: نوع خاصی از اندیشه می باشد که حول محور امام مهدی موعود آخرالزمان مدون شده است.

نیابت فقیه: نوعی اعمال ولایت در اندیشه سیاسی شیعه است که شخص به خاطر اینکه فقیه است یعنی آشنا به اصول و فروع مذهب و آگاه به دستورات و سنن و دارای قدرت استنباط احکام از منابع فقهی می باشد حق ولایت و سرپرستی و حکومت پیدا می کند.

نیابت خاصه: آن است که امام، اشخاص خاصی را نایب خود، قائم مقام خود، جانشین خود قرار دهد و به اسم و رسم معرفی کند و هر کدام را به وسیله نایب پیش از او به مردم معرفی بشناساند.

نیابت عامه: آن است که امام ضابطه ای کلی به دست دهد تا در هر عصر، فرد شاخصی که آن ضابطه، از هر جهت و در همه ابعاد بر او صدق کند، نایب امام شناخته شود و به نیابت از امام، ولی و تدبیر کننده جامعه باشد در امر دین و دنیا.

بابیت: باب به معنای راه ورود است و بابیت به این معنا که، راه و طریقت رسیدن به امام زمان عجل الله فرجه که غائب می باشند، تنها از طریق شخص مدعی بابیت می باشد. که به نوعی همان نیابت خاصه است.

در مورد ابعاد موضوع باید توجه داشت که این بحث قرار است به موضوع منجی موعود و بالاخص مهدی مورد اشاره در اسلام و مذهب شیعه بپردازد که این مهدی چه جایگاهی در اندیشه سیاسی داشته و چگونه در جامعه ای که غالب جمعیتی آنرا معتقدین به این گزاره دینی تشکیل می دهد، تاثیر بر ساختارهای فرهنگی و اجتماعی و سیاسی داشته است و ساختار حکومتی چگونه در برابر این تاثیرات دچار تحول شده یا به عبارتی باز خورد این اندیشه در ساختار حکومتی، ساختار

سیاستگذاری چه بوده است. همچنین با مطرح شدن بحث مهدویت، مشروعیت نظام حاکم مورد سؤال قرار می‌گیرد؛ چگونگی برخورد نظام مستقر با عناصر دیگر این گزاره مثل بحث نیابت مراجع فقهی، بحث انتظار و وظایف منتظران در دوران غیبت نسبت به هیات حاکمه و نحوه تعامل با آن، بحث زمینه سازی برای ظهور منجی و جز آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## پیشینه تحقیق

در مورد هر یک از جنبش بابیت، نهضت ضد بهائیت و نهضت اسلامی امام خمینی علیه السلام به صورت جداگانه مطالبی را می‌توان یافت که هر یک سعی دارند از منظری به موضوع بپردازند ولی اینکه مشخصا در مورد تاثیر اندیشه مهدویت تحقیقی صورت گرفته باشد حداقل شخصا ندیده‌ام. البته در برخی از منابع به مذهب شیعه به عنوان یکی از عوامل زمینه ساز اشاره شده است که بیشتر کلی‌گویی است. مثلا در کتاب بهائیت در ایران نویسنده بر این نظر است که برخی عوامل منجر به تحریک بخشی از حافظه جمعی جامعه شده که مربوط به اعتقاد به منجی است و لذا به ندای دعوت در این زمینه پاسخ داده اند ولی سوال این است که جنگ و شکست در آن و مشکلات اقتصادی که مورد نظر نویسنده است فقط در همان زمان وجود داشته؟ در دوره های بعد نبوده؟ مثلا جنگ جهانی اول یا دوم که مشکلات اقتصادی را نیز به همراه داشت چرا باعث ظهور فرقه‌ای با ریشه موعود و منجی نشده است؟ یا در مورد انقلاب اسلامی حامد الگار، سولیوان، عمید زنجانی و فریدون هویدا بر نقش مذهب تشیع تاکید دارند ولی باید توجه کرد که خود مذهب تشیع از عناصر مختلفی تشکیل شده است که یکی از آنها - که البته مهمترین است - عنصر مهدویت است که هیچ یک به آن توجه ای نشان نداده اند و قصد ما در این پژوهش توجه به خود کانون اندیشه مهدویت به عنوان عنصری مستقل برای تحلیل مسائل است. در ادامه برخی از منابعی که به موارد مورد نظر پرداخته اند آورده میشود.

در مورد بابیت آقای کاتوزیان در کتاب اقتصاد سیاسی ایران نوین: استبداد و شبه مدرنیسم بر روی فقر عمومی تاکید بیشتری دارد.

در کتاب بهائیت در ایران از سید سعید زاهد زاهدانی اصل علل گرایش به فرقه های بابیه را فقر اقتصادی و فرهنگی و ناامیدی مردم به علت شکست در جنگهای ایران و روس، ایده گرایش به منجی بشریت در میان مردم را شدت بخشید و همچنین دخالت دولت خارجی را موثر دانست.



کتاب شیخی گری و بایبگری نوشته مرتضی مدرس چهاردهی که بیشتر تاریخی است این اقدام بابت را حرکتی علیه دولت و روحانیت می‌داند.

یوسف فضایی در کتاب تحقیق در تاریخ شیخیگری، بایبگری، بهائیکری و کسروی گرایبی از نگاه تاریخ ادیان به موضوع پرداخته و معتقد است که این نوآوری باب بر مبنی شیعه ۱۲ امامی در دوران اجتماعی و اقتصادی باعث رویکرد مردم به آن شده است.

در مورد انقلاب اسلامی ویلیام سولیوان آخرین سفیر آمریکا در ایران در کتاب ماموریت در ایران سعی کرده نقش شخصیت‌های موثر در سیاست و روند انقلاب ایران را نشان دهد. او به شرایط اقتصادی، وضعیت نیروهای انتظامی و امنیتی و ساختار اجتماعی و نقش اسلام شیعی در جامعه ایران می‌پردازد.

محمد رضا پهلوی در کتاب پاسخ به تاریخ بر نظریه توطئه تاکید دارد و آنرا به دولت‌های غربی نسبت می‌دهد.

فریدون هویدا در کتاب سقوط شاه پس از نگرشی به سیر بحران منتهی به سقوط رژیم به ریشه‌های ایجاد بحران می‌پردازد. او به ساختار دیکتاتوری رژیم شاه و اشتباهات شخصی وی به عنوان مهمترین عوامل تعیین کننده انقلاب می‌پردازد در کنار آن به اختناق، فساد اخلاقی، خرید اسلحه و... و قدرت مذهبی را از عوامل زمینه سازی داند.

کتاب نهضت روحانیون ایران از علی دوانی با بررسی تاریخی مبارزات روحانیون شیعه در ایران، بر آن است که در کل انقلاب تداوم همان مبارزات است و علت سقوط شاه را باید در جدایی او از اسلام و عدم توجه به شعائر اسلامی از یک سو و قدرت روحانیون در بسیج مردم بر مبنای شعائر اسلامی دانست.

حامد الگار در کتاب ریشه های انقلاب اسلامی، تشیع و رهبری امام خمینی علیه السلام را بعنوان تجسم یک سنت و طرح اسلام به عنوان یک ایدئولوژی را عامل انقلاب می‌داند.

عمید زنجانی در کتاب انقلاب اسلامی و ریشه های آن دو نوع ریشه های عقیدتی و تاریخی را زمینه ساز انقلاب می‌داند در بخش عقیدتی به برخی از عناصر که بار سیاسی و اجتماعی در قرآن و سیره ائمه دارند اشاره می‌کند و در بخش تاریخی نیز به ریشه یابی و ارائه سلسله ای از حوادث، قیامها

و جنبشها در طول تاریخ از نهضت کربلا تا مقارن انقلاب را زمینه ساز می‌داند. در ادامه با نقد و بررسی عوامل انقلاب که در نظریه‌هایی مانند سیاست مدرنیزه کردن کشور، ظهور قدرت جدید، اقتصاد نابسامان ایران، سیاست حقوق بشر کارترو در نهایت از ظن خود عامل پیروزی انقلاب را نتیجه سیاست اسلام زدایی حاکمیت می‌داند که با داشتن خوی استکبار ستیزی و استبداد ستیزی باعث قیام مردم و سرنگونی رژیم پهلوی شده است.

آصف حسین در کتاب ایران اسلامی: انقلاب و ضد آن، تاکید دارد که درک و سنجش انقلاب اسلامی با معیارهای سکولار غربی ناممکن است و باید مطالعه انقلاب با توجه به عنصر ایدئولوژی، نقش اپوزیسیون اسلامی، مشروعیت، آموزشها و خصوصا رهبری صورت گیرد.

سعید ارجمند نیز در کتاب عمامه بجای تاج: انقلاب اسلامی در ایران، توجه به دو عامل ساختار اقتدار شیعه و تاثیر دولت مدرن بر جامعه ایران را در انقلاب موثر می‌داند.

همایون کاتوزیان در کتاب اقتصاد سیاسی ایران نوین: استبداد و شبه مدرنیسم، استبداد نفتی و شبه مدرنیسم را عامل انقلاب می‌داند.

نیکو آر. کدی نیز در کتاب ریشه‌های انقلاب ایران چند عامل: تحولات سیاسی اجتماعی و تحولات فکری ایدئولوژیک را برای تبیین انقلاب ایران مطرح می‌کند و انجام اصلاحات همراه با رشد و شکوفایی اقتصادی و در عین حال تاثیر منفی آن بر گروهها و طبقات اجتماعی از یک سو و سرکوب گروههای سیاسی و سلب آزادی از سوی دیگر را زمینه ساز انقلاب ایران میداند.

در مورد انجمن حجتیه می‌توان به کتاب در شناخت حزب قائدین زمان از عمادالدین باقی اشاره کرد که در آن به چگونگی شکل‌گیری و عملکرد آن در طول تاسیس تا سال ۱۳۶۳ پرداخته که در واکنش به بهائیت در ایران بوده هر چند تلویحا به وابستگی و ساختگی بودن آن توسط حاکمیت سوءظن دارد.

کیوان مهرگان نیز در مقاله کالبد شکافی پر رمز و رازترین انجمن مذهبی ایران، زمینه شکل‌گیری آنرا وجود فرقه بهائیت که در واکنش به آن تشکیل شده همچنین خوابی که موسس انجمن از امام زمان علیه السلام که او را تشویق به فعالیت در این زمینه می‌کند.

## حدود زمانی و مکانی موضوع

این تحقیق در دوره زمانی تاریخ معاصر ایران یعنی از دوره قاجار تا پنج سال بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران یعنی سال ۱۳۶۲ را در بر می گیرد. البته از این دوره حدوداً ۲۰۰ سال، مشخصاً سه دوره تاریخی سلطنت محمد شاه قاجار و دو سال اول سلطنت ناصرالدین شاه را برای بحث بابت مد نظر دارد همچنین از وقایع به اصطلاح کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲ تا سال ۱۳۶۲ را برای انجمن حجتیه و از سال ۱۳۴۲ تا پیروزی انقلاب اسلامی را برای نهضت امام خمینی مد نظر دارد. حدود مکانی موضوع نیز صرفاً مرزهای جغرافیایی ایران می باشد.

## مشکلات و تنگناها

عمده ترین مشکل در این پژوهش سخت بودن دسترسی به منابع اصلی بابت و انجمن حجتیه می باشد که تا زمان نوشتن طرح تفصیلی این منابع در کتابخانه ملی حتی پیدا نشدند و شاید ناچاراً باید به گزینه هایی از این اندیشه ها در منابع دیگر بسنده کرد.

## روش تحقیق و گرد آوری داده ها و منابع

از آنجا که بخشی از تحقیق جنبه تاریخی دارد و بخشی نیز به بررسی آراء و اندیشه ها مربوط است روش تحقیق از نوع تاریخی - تحلیلی می باشد و اطلاعات نیز غالباً از منابع موجود در کتابخانه ها جمع آوری شده است. در مورد منابع باید متذکر شد که برای بحث بابت به غیر از کتاب بیان، نوشته علی محمد شیرازی، مابقی غالباً منابع دست دوم می باشد. در بحث انجمن حجتیه و نهضت امام خمینی علیه السلام نیز غالباً منابع مورد بررسی دست اول بوده به این معنی که نوشته خود انجمن و یا حضرت امام بوده است.

## ساماندهی تحقیق

این پژوهش در دو بخش تشکیل شده است بخش اول، در دو فصل شامل طرح تحقیقاتی و مباحث مفهومی و تاریخی می باشد و بخش دوم اصل پژوهش که خود از سه فصل تشکیل شده است. فصل سوم به روند شکل گیری جنبش بابت و اندیشه سیاسی و رفتارهای سیاسی این جنبش پرداخته

است و در فصل چهارم جریان تکوین انجمن حجتیه و مبانی فکری و رفتار سیاسی آن را بررسی می‌کند و در فصل پنجم نیز به تاریخچه انقلاب اسلامی، مبانی اندیشه‌ای و تأثیری که بر تحولات سیاسی ایران گذاشته را کنکاش می‌کند و در انتها به نتیجه‌گیری و جمع‌بندی مطالب آورده شده می‌پردازد.